

بررسی تطبیقی سندی و دلالتی حدیث منزلت از دیدگاه فریقین*

□ علی شیر افتهخاری**

چکیده

حدیث شریف منزلت یکی از برجسته‌ترین میراث‌های گران‌بهای روایی بر جای مانده از رسول خدا ﷺ است. در این نوشتار این حدیث از منظر سندی و دلالتی از دیدگاه فریقین به صورت تطبیقی بررسی گردید. پس از بررسی روشن شد عالمان شیعه و اهل سنت این حدیث را در همه دوره‌های مختلف تاریخی به صورت گسترده در منابع خود ثبت کرده‌اند. عالمان شیعه این حدیث را در منابع خود، دست‌کم از «نه» نفر از امامان اهل بیت علیهم‌السلام، و «بیست و چهار» نفر از صحابه، و عالمان اهل سنت این حدیث را در منابع خود دست‌کم از «بیست و شش» نفر از صحابه از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند. رسول خدا ﷺ این حدیث را در زمان‌ها، مکان‌ها و مناسبت‌های مختلف بیان فرموده است. حدیث منزلت از نظر سندی، نزد فریقین صحیح، متواتر و مورد اتفاق است و از نظر دلالتی شیعه امامیه معتقدند بر اساس این حدیث همه منازل هارون علیه‌السلام نسبت به موسی علیه‌السلام برای علی علیه‌السلام نسبت به رسول خدا ﷺ به صورت عموم و اطلاق ثابت است و آن حضرت خلیفه رسول خدا ﷺ در زمان حیات و پس از حیات آن حضرت است. بیشتر عالمان اهل سنت منازل هارون علیه‌السلام را فی الجمله برای علی علیه‌السلام پذیرفته‌اند و عموم و اطلاق آن را نپذیرفته‌اند و گفته‌اند علی علیه‌السلام تنها در زمان

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۳/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۵/۲۰.

** . دانشجوی دکتری مجتمع آموزش عالی زبان، ادبیات و فرهنگ‌شناسی (Eftekhari114 gmail.com).

حیات رسول خدا ﷺ و در مدینه خلیفه آن حضرت است. منتقدان اهل سنت برخی ایرادهایی بر سند و دلالت این حدیث گرفته‌اند و بطلان این ایرادها بر اساس گفته‌ها، باورها و منابع اهل سنت روشن گردید. روش تحقیق در این نوشتار «توصیفی-تحلیلی» است.

کلیدواژه‌ها: حدیث منزلت، بررسی تطبیقی، فریقین، سند و دلالت، شیعه امامیه، اهل سنت.

مقدمه

رسول خدا ﷺ حدیث منزلت را در زمان‌ها، مکان‌ها و مناسبت‌های مختلف برای بیان جایگاه امیر المؤمنین علی علیه السلام نسبت به خودش و امت اسلامی بیان می‌کند. یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین مواضع بیان حدیث منزلت، پیش از حرکت سپاه اسلام در غزوه تبوک است. رسول خدا ﷺ در این غزوه دو اقدام مهم تاریخی انجام می‌دهد؛ از یک‌سو، علی علیه السلام را عملاً در مدینه، خلیفه و جانشین خود می‌سازد و از سوی دیگر با بیان حدیث منزلت جایگاه آن حضرت را مشخص می‌کند. این حدیث، فضیلت ویژه و اختصاصی امیر المؤمنین علی علیه السلام نسبت به دیگر صحابه را بیان می‌دارد. این حدیث در کتاب‌های روایی، تفسیری، رجالی، کلامی و تاریخی شیعه و اهل سنت به صورت گسترده نقل گردیده است؛ محور اصلی حدیث منزلت بیان خلافت (جانشینی) علی علیه السلام از رسول خدا ﷺ هم در زمان حیات، و هم پس از حیات آن حضرت است؛ از این رو این حدیث از نظر سند و دلالت محل گفتگو و مناقشه برخی از منتقدان اهل سنت قرار می‌گیرند و آن‌ها همواره می‌کوشند در سند و دلالت این حدیث خدشه‌ای ایجاد کنند تا این حدیث بر فضیلت ممتاز و جایگاه برتر و ولای امام علی علیه السلام در میان صحابه و مسلمانان نتواند دلالت کند و عالمان شیعه همواره در صدد پاسخگویی به این ایرادها و مناقشه‌ها برمی‌آیند و تلاش می‌کنند تا اثبات کنند یکی از دلایل روشن و مهم روایی اثبات خلافت امام علی علیه السلام پس از رسول خدا ﷺ این حدیث شریف است. در واقع بحث و گفتگو میان عالمان شیعه و اهل سنت در حدیث منزلت هم در سند حدیث، و هم در متن و دلالت حدیث است. این نوشتار در صدد است حدیث منزلت را از منظر سند و دلالت مورد بررسی تطبیقی بین فریقین قرار دهد.

موضوع این نوشتار، «بررسی تطبیقی سندی و دلالتی حدیث منزلت در منابع فریقین» است. این موضوع در سه بخش ذیل بر اساس منابع فریقین مورد واکاوی قرار می‌گیرد: «۱. نگاهی به حدیث منزلت در منابع فریقین»، «۲. بررسی سندی حدیث منزلت از منظر فریقین»، «۳. بررسی دلالتی حدیث منزلت از منظر فریقین».

این موضوع با این عنوان خاص، مورد پژوهش خاص و مستقلی قرار نگرفته است؛ ولی پژوهش‌های عام و کلی در باره حدیث منزلت با عبارت «أَلَا تَرْضَىٰ أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ، مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ نَبِيَّ بَعْدِي» از نظر سند و یا دلالت جداگانه انجام گرفته است؛ اما بحث تطبیقی سندی و دلالتی این حدیث در منابع فریقین تنها در یک مقاله تحت عنوان «بررسی تطبیقی حدیث منزلت از نگاه مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل سنت» انجام شده است. نگارنده این مقاله مطالب ارزنده و مفیدی در باره سند و دلالت این حدیث ارائه کرده است؛ ولی این بررسی نسبت به سند و متن این حدیث کامل نیست و ناگفته‌های بسیاری در باره سند و متن این حدیث و دیدگاه‌های عالمان شیعه و اهل سنت در باره سند و دلالت این حدیث وجود دارد؛ این نوشتار نسبت به این مقاله افزون بر ترتیب و نظم بندی جدیدی، نکات و جزئیات بیشتر، کامل‌تر و جامع‌تری در باره سند و دلالت حدیث منزلت به صورت تطبیقی ارائه می‌دهد.

بخش اول: نگاهی به حدیث منزلت در منابع فریقین

حدیث شریف منزلت هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت به صورت گسترده در مکان‌ها، زمان‌ها و مناسبت‌های گوناگون و با روایان مختلف از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل گردیده است. تعدادی بسیاری از صحابه هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت راوی این حدیث است. این یکی از ویژگی‌های برجسته و مهم این حدیث به شمار می‌رود. روایان صحابه حدیث منزلت در منابع فریقین برخی مشترک، و شماری مختص هستند؛ از این رو، روایان صحابه این حدیث به صورت جداگانه نقل می‌شود.

اول: حدیث منزلت در منابع شیعه امامیه

حدیث منزلت در منابع شیعه امامیه به صورت گسترده و با عبارتهای مختلف انعکاس یافته است. عالمان شیعه این حدیث را از طریق بسیاری از امامان اهل بیت علیهم السلام، و از صحابه و دیگران از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند.

۱. نقل حدیث منزلت به وسیله امامان اهل بیت علیهم السلام در منابع شیعه

یک دسته از راویان این حدیث، امامان معصوم علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. اکنون به اختصار نام هر یک از امامان معصوم علیهم السلام به عنوان راوی این حدیث همراه با برخی از مهم‌ترین منابع آن حدیث اشاره می‌گردد: «۱. امام علی علیه السلام»: (الطوسی، ۱۴۱۴، ۳۴۲)؛ «۲. امام حسن علیه السلام»: (الطبرسی، ۱۴۰۳: ۲۸۸/۲ - ۲۸۹). «۳. امام سجاد علیه السلام»: (الطوسی، ۱۴۱۴: ۵۶۱ - ۵۶۶)؛ «۴. امام باقر علیه السلام»: (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۷۴)؛ «۵. امام صادق علیه السلام»: (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۶/۸ - ۱۰۷). «۶. امام کاظم علیه السلام»: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷۶/۲۲ - ۴۷۷). «۷. امام رضا علیه السلام»: (صدوق، ۱۳۷۶: ۵۲۲ - ۵۲۹)؛ «۸. امام هادی علیه السلام»: (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۵۰/۲ - ۴۵۱)؛ «۹. امام حسن عسکری علیه السلام»: (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۳۰/۲).

بررسی گذرا در آثار بزرگان شیعه امامیه نشان می‌دهد دست‌کم تعداد «نه» نفر از امامان معصوم علیهم السلام حدیث منزلت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند. متن حدیث منزلت با تعبیرها و واژگان مختلفی نقل گردیده است؛ ولی این جمله از حدیث منزلت: «أَلَا تَرَضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» تقریباً در همه نقل‌ها مشترک است. واژگان، ترکیب‌ها و عبارتهای پیش و پس از این جمله در نقل‌های مختلف، متفاوت است. بعضی نقل‌ها به همین جمله معروف بسنده کرده است و برخی دیگر پیش و پس از این جمله، عبارتهای دیگری را نیز نقل کرده‌اند.

۲) نقل حدیث منزلت به وسیله صحابه در منابع شیعه

بررسی در راویان صحابی حدیث منزلت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در آثار شیعه نشان می‌دهد عالمان

آنان حدیث منزلت را دست‌کم از «۲۴» نفر از صحابه از رسول خدا ﷺ در باره منزلت بزرگ حضرت علی علیه السلام نقل کرده‌اند. بنابراین حدیث منزلت، تعداد «۲۴» راوی از صحابه دارد و این بیانگر اهمیت، صحت و صدور این حدیث از رسول خدا ﷺ است. به اختصار به نام صحابه و برخی منابع آن حدیث در منابع شیعه اشاره می‌گردد:

«۱. حذیفه یمان»: (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۷۸)؛ «۲. ابی سعید الخدری»: (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۶۱)؛ «۳. ابوذر الغفاری»: (ابن شاذان، ۱۳۶: ۱۳۴)؛ «۴. عبد الله بن عباس»: (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۰)؛ «۵. سلمان فارسی»: (ابن شاذان، ۱۴۲۳: ۱۲۴)؛ «۶. جابر بن عبدالله انصاری»: (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۷۴)؛ «۷. سعد بن ابی وقاص»: (رازی، ۱۴۰۱: ۱۳۵)؛ «۸. ابورافع»: (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۹۴/۱)؛ «۹. مخدوج بن زید»: (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۸۶/۲)؛ «۱۰. مقداد»: (الهلالی، ۱۴۰۵: ۸۱۵/۲)؛ «۱۱. انس بن مالک»: (مغربی، ۱۴۰۹: ۴۷۷/۲)؛ «۱۲. حبشی بن جناد»: (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۳)؛ «۱۳. جابر بن سمره»: (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۳)؛ «۱۴. اسماء بنت عمیس»: (مغربی، ۱۴۰۹: ۹۷/۱)؛ «۱۵. سعید بن زید»: (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۲۹)؛ «۱۶. قیس»: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۶/۳۷)؛ «۱۷. عمر بن خطاب»: (طبری، ۱۴۰۳: ۱۱۶/۱)؛ «۱۸. زید بن ابی اوفی»: (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۶۶)؛ «۱۹. ابوالطفیل عامر بن واثله»: (ابن بابویه، ۲: ۵۵۴/۱۳۶۲)؛ «۲۰. ام سلمه»: (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۰)؛ «۲۱. ابوبرزه»: (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱۳۷)؛ «۲۲. ابی لیلا»: (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۵۱)؛ «۲۳. عبد الله بن مسعود»: (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۳۷)؛ «۲۴. سعد بن مالک»: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۱/۳۶).

دوم) حدیث منزلت در منابع اهل سنت

عالمان اهل سنت؛ مانند عالمان شیعه حدیث منزلت را از بسیاری از صحابه رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند. در این قسمت راویان صحابه در منابع معتبر و مختلف اهل سنت به اختصار مورد واکاوی قرار می‌گیرد تا روشن گردد چه تعداد از صحابه در منابع اهل سنت راوی این

حدیث است: « ۱. علی علیه السلام »: (الحاکم، ۱۴۱۱: ۳۶۷/۲)؛ « ۲. عبدالله بن عباس »: (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰: ۵۶۵/۲)؛ « ۳. عمر بن خطاب »: (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۷۷/۷)؛ « ۴. عبدالله جعفر »: (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۷۷/۷)؛ « ۵. معاویه »: (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۷۷/۷)؛ « ۶. جابر »: (الترمذی، ۱۳۹۵: ۶۴۰/۵)؛ « ۷. جابر بن ثمره »: (الهیثمی، ۱۴۱۴: ۱۱۰/۹)؛ « ۸. ابی سعید الخدری »: (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۷۳/۱۷)؛ « ۹. براء بن عازب »: (الطبرانی، [بی تا]: ۲۰۳/۵)؛ « ۱۰. زید بن ارقم »: (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۶)؛ « ۱۱. زید بن ابی اوفی »: (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳: ۶۶۶/۶۳۸/۲)؛ « ۱۲. سعد بن ابی وقاص »: (البخاری، ۱۴۲۲: ۱۹/۵ و ۳/۶)؛ « ۱۳. نبط بن شریط »: (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۵۱۹/۲)؛ « ۱۴. حُبشی بن جنادة »: (الطبرانی، [بی تا]: ۱۷/۴)؛ « ۱۵. مالک بن حویرث »: (الطبرانی، [بی تا]: ۲۹۱/۱۹)؛ « ۱۶. انس بن مالک »: (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۷۷/۷)؛ « ۱۷. ام سلمه »: (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰: ۶۰۰/۲)؛ « ۱۸. ابوالفضل »: (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۷۷/۷)؛ « ۱۹. اسماء بنت عمیس »: (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۶)؛ « ۲۰. فاطمه بنت حمزه »: (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۷۷/۷)؛ « ۲۱. بریده اسلمی »: (ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰: ۶۰۱/۲)؛ « ۲۲. ابویوب »: (الهیثمی، ۱۴۱۴: ۱۱۱/۹)؛ « ۲۳. عبدالله بن عمر »: (الطبرانی، [بی تا]: ۱۲۶/۲)؛ « ۲۴. یحیی بن سعید »: (الطبرانی، [بی تا]: ۸۳/۶)؛ « ۲۵. سعید بن زید »: (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳: ۶۷۰/۲)؛ « ۲۶. محدوج بن زید »: (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳: ۶۶۳/۲).

بررسی برخی منابع اهل سنت در بارهٔ راویان صحابهٔ حدیث منزلت نشان می‌دهد دست‌کم تعداد «۲۶» نفر از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را از آن حضرت نقل کرده‌اند و بسیاری از نویسندگان منابع این حدیث به صحت سند این حدیث تصریح کرده‌اند. در نتیجه پس از واکاوی سند حدیث منزلت در منابع فریقین روشن گردید، دست‌کم «۴۱» نفر از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را از آن حضرت نقل کرده‌اند و از افراد یاد شده تعداد «۱۱» نفر از صحابه، فهرست عالمان شیعه با فهرست عالمان اهل سنت مشترک است. کمتر روایتی در منابع فریقین از نظر سند چنین ویژگی را دارد. این جمله از حدیث منزلت: «أ

لَا تَرْضَىٰ أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» قدر متقین و مشترک منابع فریقین شمرده می‌شود و جمله‌های پیش و پس از این جمله تفاوت‌هایی دارد و نقل‌های منابع شیعه گویاتر و رساتر بر مطلوب است گر چه همین مقدار مشترک برای اثبات خلافت امام علی علیه السلام کافی است.

بخش دوم: بررسی سندی حدیث منزلت از دیدگاه فریقین

اول) سند حدیث منزلت از دیدگاه عالمان شیعه

بزرگان شیعه حدیث منزلت را در منابع معتبرشان نقل، و به صحت، تواتر و مورد اجماع بودن آن نزد فریقین تصریح کرده‌اند و آن را یکی از احادیث صحیح، متواتر و مورد اتفاق فریقین دانسته‌اند. برای نمونه به سخنان برخی از دانشمندان شیعه در این زمینه اشاره می‌گردد.

۱) ورود حدیث منزلت در منابع معتبر شیعه

عالمان برجسته‌ای شیعه حدیث منزلت را در آثار معتبرشان به صورت گسترده نقل و ثبت کرده‌اند. برای نمونه حدیث منزلت در این منابع نقل گردیده است: (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۶/۸؛ شیخ طبرسی: ۱۳۹۰: ۱۶۷؛ ابن بابویه: ۱۳۷۸: ۱۰/۳؛ عماد الدین طبری: ۱۴۲۶: ۳۰۶/۱؛ شریف مرتضی: ۱۴۰۵: ۴۷۶؛ فاضل مقداد: ۱۴۱۲: ۱۷۰؛ حلی - میلانی: ۱۳۷۹: ۹۶؛ شیخ طوسی: ۱۳۸۲: ۲۰۵/۲؛ ابن بابویه: ۱۴۰۳: ۷۴؛ حلی: ۱۳۸۶: ۵۹۸؛ شیرازی: ۱۴۲۲: ۳۳۹؛ شریف مرتضی: ۱۴۱۱: ۴۰۵؛ شریف مرتضی: ۱۴۱۰: ۶۷/۲؛ ابن رستم طبری: ۱۴۱۳: ۱۲۴؛ خواجه نصیر الدین طوسی: ۱۴۰۷: ۲۳۰).

۲) تصریح به صحت حدیث منزلت

شیخ طوسی معتقد است دلیل بر صحت حدیث منزلت، همان دلایل صحت حدیث غدیر است و دلایل صحت حدیث غدیر را قبلاً تحقیق، تفحص و تثبیت کردیم؛ زیرا عالمان امت بر قبول و پذیرش آن اتفاق دارند و اگر چه در تأویل آن اختلاف کرده‌اند و شیعه آن را به تواتر

نقل کرده‌اند و بیشتر راویان، این حدیث را نقل کرده‌اند و نگارندگان حدیث، این حدیث را در رمزه احادیث صحیح آورده‌اند. این مطلب بین امت، ظاهر و شایع است؛ همانگونه که امت بر صحت اخبار دیگر یقین دارند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۲: ۲/۲۰۷)؛ بزرگان دیگری؛ مانند شریف مرتضی، حمصی رازی، همین تعبیرها و عبارات شیخ طوسی را نسبت به حدیث منزلت و صحت آن به کار برده‌اند: (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۴۵۳؛ همان، ۱۴۱۰: ۸/۳؛ رازی، ۱۴۲۲: ۲/۳۴۹).

۳) تصریح به تواتر حدیث منزلت

بسیاری از عالمان شیعه به تواتر حدیث منزلت تصریح کرده‌اند. ابن طاووس حدیث منزلت را از احادیث متواتر نزد مسلمانان می‌داند و می‌گوید ائمه و حفاظ در آثارشان این روایت را نقل کرده‌اند. (ابن طاووس، ۱۴۲۰: ۳۱۵). شیخ طوسی نیز حدیث منزلت را متواتر می‌داند. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۳۱). علامه حلی می‌گوید حدیث منزلت به نقل متواتر نقل شده است و همچنین امت آن را تلقی به قبول کرده‌اند. (حلی، ۱۳۸۶: ۵۰۲). وی می‌نویسد: مسلمانان به تواتر، این حدیث را نقل کرده‌اند؛ اما در دلالت این حدیث بر امامت و تقریر استدلال به آن اختلاف کرده‌اند. (حلی، ۱۴۱۳: ۳۶۹). دانشمندان دیگری؛ مانند ابن نوبخت، لاهیجی، شعرانی، محمدی، حسینی شیرازی و میلانی به تواتر حدیث منزلت تصریح کرده‌اند: (ابن نوبخت، ۱۴۱۳: ۸۳؛ لاهیجی، ۱۳۸۳: ۵۳۵؛ شعرانی، [بی‌تا]: ۵۱۵؛ محمدی، ۱۳۷۸: ۴۳۴؛ شیرازی، ۱۴۱۰: ۳۵۱).

۴) ادعای اتفاق بر صدور حدیث منزلت

شیخ صدوق معتقد است حدیث منزلت مورد اجماع است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۷۹). همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی به صدور حدیث منزلت و مانند آن با الفاظ و عبارات مترادف در مکان‌ها و مناسبت‌های مختلف اتفاق دارند. صدور حدیث منزلت از رسول خدا ﷺ از تصریح آن حضرت به اینکه نماز ظهر چهار رکعت است و دیگر ضروریات دینی کم‌تر

نیست. (قمی، ۱۴۱۵: ۷۴۵/۲). دیگر عالمان شیعه امامیه مانند فاضل مقداد، کراچکی، جرجانی، طبری، ابن بدرالدین، بحرانی، میلانی و مانند اینها تصریح کرده‌اند حدیث منزلت مورد اتفاق و اجماع فریقین و همه مسلمانان است و تعبیرهای «مجمع علی صحته، متفق علیه، مورد اتفاق، المتفق علی نقله الفریقان، و الفئتان المتباینتان، المتفق علی روایتہ بین الأمة، ما نقله جمیع الأمة و تلقاه بالقبول الخاصة و العامة، متواتر متفق علی نقله» را نسبت به حدیث منزلت به کار برده‌اند: (فاضل مقداد، ۱۴۲۲: ۳۳۹؛ کراچکی، [بی‌تا]: ۱۶۹/۲؛ جرجانی، ۱۳۷۵: ۸۷؛ طبری، ۱۴۱۳: ۱۹؛ ابن بدرالدین، ۱۴۲۲: ۳۴۰-۳۴۱؛ بحرانی، ۱۱۰۷: ۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵۴؛ میلانی، ۱۴۱۴: ۱۷۹/۱۷).

دوم) سند حدیث منزلت از دیدگاه عالمان اهل سنت

پس از بررسی سند حدیث منزلت در بخش اول روشن گردید این حدیث در آثار اهل سنت سندهای مختلفی دارد. در مجموع این سندها از دیدگاه آنان چگونه است؟ آیا معتبر و مورد قبول است یا نیست؟ در این قسمت دیدگاه‌های آنان در باره سند حدیث منزلت مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱) ورود حدیث منزلت در منابع معتبر اهل سنت

محدثان و عالمان بزرگ اهل سنت حدیث منزلت را در آثار مختلف و معتبرشان به صورت گسترده نقل و ثبت کرده‌اند: از جمله، (بخاری، ۱۴۲۲: ۳/۶؛ مسلم، [بی‌تا]: ۱۷۸۷۰/۴؛ ترمذی، ۱۹۹۸: ۸۳/۶؛ نسائی، ۱۴۲۱: ۳۰۷/۷؛ ابن ماجه، [بی‌تا]: ۴۵/۱؛ حاکم، ۱۴۱۱: ۳۶۷/۲؛ ابن حجر، ۱۳۷۹: ۷۴/۷؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۱۹: ۳۶۶/۶؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۹/۲۳؛ همان، ۱۴۰۳: ۵۶۶/۲؛ الطبرانی، [بی‌تا]: ۱۲۶/۲؛ همان، ۱۴۱۵: ۱۴۸/۱؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰: ۵۶۵/۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۶۴۲/۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۱/۲؛ الهیثمی، ۱۴۱۴: ۱۰۹/۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۷/۵؛ ابوداود الطیالسی، ۱۴۱۹: ۱۷۰/۱؛ ابن راهویه، ۱۴۱۲: ۳۶/۵؛ القرطبی، ۱۳۸۶: ۲۶۶/۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۹۱/۲۲؛ الماتریدی، ۱۴۲۶: ۵۴۵/۳) و دیگر آثار معتبر اهل سنت این حدیث را نقل و ثبت کرده‌اند. بسیاری از

صاحبان کتاب‌های صحاح، سنن و مسانید اهل سنت توجه و اهتمام وافرداشتند تا روایات ضعیف را در آثارشان نقل نکنند. از جمله بخاری معتقد است مجامع راوی مدون عصر او بر روایات صحیح، حسن و ضعیف مشتمل است؛ به همین دلیل تصمیم می‌گیرد روایات صحیح را در کتابی گرد آورد و تشویق‌کننده اصلی او در این زمینه اسحاق بن ابراهیم حنظلی معروف به «ابن راهویه» بوده است. (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۶/۱).

۲) تصریح به صحت سند حدیث منزلت

شماری زیادی از محدثان و رجال شناسان بزرگ اهل سنت پس از نقل حدیث منزلت به صحت سند آن تصریح کرده، و گفته‌اند روایان این حدیث بر اساس معیارهای جرح و تعدیل اهل سنت مورد پذیرش بزرگان آنان است.

ابن حجر پس از توضیح واژگان حدیث منزلت بر اساس نقل «صحیح بخاری» از سعد بن ابی وقاص می‌نویسد: سند این حدیث قوی است و بسیاری از صحابه آن را نقل کرده‌اند و سپس می‌گوید عمر، علی رضی الله عنه، أبوهریره، ابن عباس، جابر بن عبد الله، براء بن عازب، زید بن ارقم، ابوسعید الخدری، انس، جابر بن سمره، حبشی بن جناد، معاویه، اسماء بن عمیس و غیر اینها از صحابه این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند. (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۷۳/۷-۷۴).

حاکم این حدیث را از ابن عباس با عبارت بیشتری نسبت به دیگر ناقلان نقل کرده، و سپس به صحت آن حکم کرده، و می‌گوید این حدیث صحیح، و مطابق شرط شیخین است؛ ولی آن دو این حدیث را به این عبارت نقل نکرده‌اند: «أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ بَعْدِي نَبِيٌّ، إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ أَذْهَبَ إِلَّا وَأَنْتَ خَلِيفَتِي»، «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يَخْرُجْ بِهِ فِي السِّيَاقَةِ». ذهبی عالم بزرگ و سخت‌گیر اهل سنت نسبت به فضایل اهل بیت علیهم السلام در پاورقی، این حدیث را صحیح می‌داند و می‌گوید: «صحیح» است» (الحاکم، ۱۴۱۱: ۱۴۳/۳).

ترمذی پس از نقل حدیث منزلت به صحت آن تصریح کرده، و می‌گوید این حدیث صحیح است. (الترمذی، ۱۳۹۵: ۶۴۱/۵). ابن کثیر در ذیل این حدیث می‌نویسد سند این

حدیث مطابق با شرط شیخین است؛ اما آن دو این حدیث را در کتابشان نقل نکرده‌اند. (ابن کثیر، ۱۹۰۸: ۳۷۷/۷). ابن کثیر همچنین در ذیل یکی از نقل‌های دیگری این حدیث می‌نویسد سند این حدیث صحیح است؛ ولی عالمان اهل سنت این حدیث را نقل نکرده‌اند. (همان).

مزی یکی دیگر از حدیث و رجال‌شناسان بزرگ اهل سنت پس از نقل این حدیث از راویان مختلف می‌گوید شماری زیادی از صحابه این حدیث را نقل کرده‌اند و این حدیث از ثابت‌ترین و صحیح‌ترین احادیث است و این حدیث را سعد بن ابی وقاص، ابن عباس، ابوسعید الخدری، جابر، اسم سلمه، اسماء بنت عمیس و گروهی دیگری از صحابه آن را نقل کرده‌اند. (المزی، ۱۴۰۰: ۳۸۳/۲۰ - ۳۸۴).

احمد بن حنبل این حدیث را با راویان مختلف و به مناسبت‌های گوناگونی از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند و محققان این کتاب به‌عنوان تعلیق در پاورقی در بسیاری از موارد این حدیث را به به تعبیرهایی؛ مانند «إسناده صحیح علی شرط البخاری»، «حدیث صحیح صححه الدار قطنی»، «إسناده صحیح علی شرط الشیخین» و «إسناده صحیح» یاد می‌کند. (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۶۶/۳ و ۸۴/۳ و ۹۵/۳ و ۱۴۶/۳ و ۱۴/۴۵). محمد فؤاد الباقی محقق «سنن ابن ماجه» در دو مورد در پاورقی سخن البانی را ذیل حدیث منزلت به نقل از سعد بن ابی وقاص نقل کرده است و البانی به صحت سند حدیث حکم کرده، و گفته است: «صحیح» (ابن ماجه، [بی‌تا]: ۴۲/۱). باز البانی حدیث منزلت به نقل از سعد بن ابی وقاص را به مناسبت دیگری تصحیح کرده، و گفته است: «صحیح» (همان، [بی‌تا]: ۴۵/۱).

ابن عبد البر یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت پس از نقل حدیث منزلت از ابن عباس می‌گوید این حدیث را گروه بسیاری از صحابه روایت کرده‌اند و از ثابت‌ترین روایات و صحیح‌ترین آنهاست. این حدیث را از رسول خدا ﷺ، سعد بن ابی وقاص، ابن عباس، ابو سعید خدری، ام سلمه، اسماء بنت عمیس، جابر بن عبد الله و جماعت بسیاری روایت کرده‌اند. (ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۱۰۹۷/۳).

۳. ادعای تواتر و اجماعی بودن سند حدیث

بر اساس معیار برخی از عالمان اهل سنت ملاک تحقق تواتر، حصول علم است و عدد ملاک نیست. (السیوطی، ۱۴۰۵: ۹)؛ اما برخی دیگر عددهای «۴»، «۵»، «۷»، «۱۰»، «۱۲»، «۲۰»، «۴۰»، «۷۰» و «۳۱۳» را برای تحقق تواتر گفته‌اند. (همان، ۱۴۰۵: ۶-۹). ابن حزم معتقد است اگر چهار نفر از صحابه روایتی را نقل کند این حدیث متواتر است و مخالفت با آن روا نیست. (ابن حزم، [بی تا]: ۴۸۹/۷). بر اساس این معیارها حدیث منزلت را دست کم «۲۶» نفر از صحابه رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند. عالمان اهل سنت گفته‌اند اگر ده نفر از صحابه از رسول خدا ﷺ حدیثی را نقل کرده باشند این حدیث حدی اعلائی از تواتر را دارد. پس این حدیث متواتر است.

گنجی شافعی می‌گوید: همه بر صحت این حدیث اتفاق دارند. ائمه حفاظ؛ مانند بخاری در صحیح، و مسلم در صحیح، ابوداود در سنن، ترمذی در جامع، نسائی در سنن، ابن ماجه در سنن خود این حدیث را نقل کرده‌اند. همه بر صحت این حدیث اتفاق کرده‌اند به گونه‌ای بر صحت این حدیث اجماع از سوی آنان صورت گرفته است و حاکم نیشابوری این حدیث را داخل در تواتر می‌داند. (گنجی شافعی، ۱۴۰۴: ۲۸۳). ابن ابی الحدید حدیث منزلت را حدیث مورد اتفاق فرقه‌های اسلامی می‌داند و می‌گوید دلیل برای اینکه علی رضی الله عنه وزیر رسول خدا ﷺ است حدیث مورد اتفاق فرقه‌های مسلمانان است. رسول خدا ﷺ به علی رضی الله عنه فرمود: تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موس هستی جز اینکه پس از من پیامبری نیست. آن حضرت همه مراتب هارون رضی الله عنه را برای علی رضی الله عنه اثبات کرد. پس آن حضرت وزیر، و پشتیبان رسول خدا ﷺ است و اگر رسول خدا ﷺ خاتم رسولان نبود، علی رضی الله عنه در شریک در امر رسالت بود. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۱۳). محققان دو کتاب «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» و «لقط اللآلی المتناثرة فی الاحادیث المتواترة» می‌نویسند شیخ جسوس نیز معتقد است حدیث منزلت متواتر است و بیش از بیست نفر صحابی آن را نقل کرده است و ابن عساکر تمام سند و طرق آن را گردآوری کرده و در حدود نزدیک بیست صفحه رسیده است. (الکتانی، [بی تا]: ۱۹۵/۱؛ الزبیدی، [بی تا]: ۳۱).

افزون بر آن برخی از عالمان سنت کتاب‌هایی در زمینه حدیث متواتر نوشته، و در آن‌ها تنها احادیث متواتر را نقل کرده‌اند و نویسندگان این کتاب‌ها حدیث منزلت را در آن آثار نقل کرده، و گفته‌اند این حدیث را ده نفر از صحابه نقل کرده‌اند. به برخی از این کتاب‌ها به اختصار اشاره می‌گردد: سیوطی در کتاب «**قطف الازهار المتناثرة فی الاخبار المتواترة**» حدیث منزلت را با تعدادی از راویان صحابه به‌عنوان حدیث متواتر نقل کرده است. (السیوطی، ۱۴۰۵: ۲۸۱). زبیدی در «**لقط اللالی المتناثرة فی الاحادیث المتواترة**» تنها احادیث متواتر را نقل کرده، و حدیث منزلت را با ده راوی صحابه آورده است. (الزبیدی، [بی‌تا]: ۳۱-۳۲). کتانی در «**نظم المتناثر من الحدیث المتواتر**» تنها اخبار متواتر را آورده، و گفته است این حدیث را ده نفر صحابی روایت کرده است. (الکتانی، [بی‌تا]: ۱/۱۹۵).

در برابر گروه بزرگی از عالمان اهل سنت، گروهی اندکی از آنان در سند و صحت حدیث منزلت اشکال‌های سستی و واهی گرفته‌اند. «آمدی» گفته است این حدیث صحیح نیست و ابن حجر هیتمی پس از نقل این قول گفته است اگر این حدیث صحیح نباشد این روشن است و اگر صحیح باشد؛ این حدیث از قبیل احادیث آحاد شمرده می‌شود و شیعه خبر را در امامت (اصول اعتقادی) حجت نمی‌دانند. (الهیتمی، ۱۴۱۷: ۱/۱۲۲). قرطبی عالم دیگر اهل سنت می‌گوید: حدیث منزلت، خبر واحد است و تنها از طریق «سعد بن ابی وقاص» نقل شده است. خبر واحد افاده قطع و یقین نمی‌کند. (القرطبی، ۱۳۸۴: ۱/۲۶۸).

این دو ایراد سندی بسیار ضعیف و سست است؛ زیرا اولاً این حدیث در موارد مختلف و به طریق‌های مختلف از رسول خدا ﷺ نقل شده است. از جمله راویان این حدیث از رسول خدا ﷺ، ابی الفیل، بن جنادة الشامی، انس، اسماء بنت عمیس، عقیل بن ابی طالب رضی الله عنه و علی رضی الله عنه است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲/۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱ و ۵۴/۲۲۶ و ۱۳۶/۷۰ و ۵۲/۷۱). خیشمه بن سلیمان نیز به سند خود از محدودج بن زید باهلی نقل کرده است هنگامی که رسول خدا ﷺ بین مسلمانان پیوند برادری و اخوت برقرار می‌کرد، دست علی رضی الله عنه را گرفت و بر سنیة خود قرار داد و فرمود: «ای علی تو برادر من هستی و نسبت تو به من مانند

نسبت هارون به موسی است مگر اینکه پس از من پیامبری نیست. (الطرابلسی، ۱۴۰۰: ۱۹۹/۱)؛ ثانیاً این حدیث در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم، صحیح‌ترین و معتبرترین کتاب‌های روایی اهل سنت آمده است. (البخاری، ۱۴۲۲: ۱۹/۵ و ۳/۶؛ مسلم، [بی‌تا]: ۱۸۷۰/۴ و ۱۸۷۱). بزرگان اهل سنت گفته‌اند امت، احادیث این دو کتاب را تلقی به قبول کرده‌اند (ابن الصلاح، ۱۴۰۶: ۲۹/۱؛ السیوطی، [بی‌تا]: ۳۵۰/۱؛ الزرکشی، ۱۴۱۹: ۲۷۸/۱؛ السمعونی، ۱۴۱۶: ۳۲۱/۱). بزرگان اهل سنت این دو کتاب را صحیح‌ترین کتاب پس از کتاب خداوند می‌دانند. (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۶۳۵/۱؛ الهیتمی، ۱۴۱۷: ۳۱/۱؛ ابن الصلاح، ۱۴۰۶: ۱۷/۱-۱۸). حدیث منزلت هم در صحیح بخاری و هم در صحیح مسلم آمده است اگر حدیثی در این دو کتاب باشد این روایت برترین نوع حدیث صحیح از انواع حدیث صحیح، و صحیح متفق علیه نزد بزرگان اهل سنت شمرده می‌شود. (ابن الصلاح، ۱۴۰۶: ۲۷/۱-۲۸)؛ ثالثاً: بسیاری از بزرگان اهل سنت این حدیث را صحیح دانسته‌اند. (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۷۳/۷-۷۴؛ الحاکم، ۱۴۱۱: ۳۶۷/۲؛ الترمذی، ۱۳۹۵: ۶۴۱/۵؛ ابن کثیر، ۱۹۰۸: ۳۷۷/۷)؛ رابعاً برخی از عالمان اهل سنت به تواتر این حدیث تصریح کرده‌اند. (السیوطی، ۱۴۰۵: ۶-۹؛ الزبیدی، [بی‌تا]: ۳۱-۳۲؛ الکتانی، [بی‌تا]: ۱۹۵/۱). بنابراین این حدیث از دیدگاه بزرگان اهل سنت هم صحیح، و هم متواتر است؛ بنابراین استدلال شیعه بر مسئله اعتقادی به خبر واحد نیست؛ بلکه به خبر متواتر است.

پس از بررسی سند حدیث منزلت در منابع اهل سنت و دیدگاه آنان در باره سند این حدیث روشن شد: اولاً این حدیث در منابع معتبر اهل سنت نقل گردیده است و این نقل‌های گسترده به معنای تأیید، پذیرش و صحت حدیث منزلت نزد آنان است؛ ثانیاً اگر حدیثی در صحیح بخاری و صحیح مسلم نقل شده باشد این حدیث، صحیح‌اعلایی و درجه اول حدیث صحیح نزد عالمان اهل سنت شمرده می‌شود؛ ثالثاً بسیاری از بزرگان و حدیث‌شناسان معروف اهل سنت این حدیث را از نظر سند صحیح می‌دانند؛ رابعاً: حدیث منزلت بر اساس معیارهای حدیث متواتر نزد اهل سنت متواتر، بلکه بر اساس دیدگاه بعضی اجماعی است؛ زیرا دست‌کم از «۲۶» صحابه این حدیث از رسول خدا ﷺ نقل گردیده

است و افزون بر آن، این حدیث در کتاب‌های ویژه نگارش یافته در احادیث متواتر، ثبت و ضبط گردیده است؛ خامسا: برخی اندکی از عالمان اهل سنت ایراد سندی بر حدیث منزلت گرفته‌اند و این ایراد سست و ضعیف با نقل این حدیث در منابع معتبر اهل سنت به ویژه در صحیح بخاری و صحیح مسلم، و سخنان بسیاری از عالمان بزرگ اهل سنت در باره صحت سند این حدیث و متواتر دانستن آن قابل اعتنا و مطرح کردن نیست.

بخش سوم: دلالت حدیث منزلت از دیدگاه عالمان فریقین

بزرگان شیعه تمام منزلت‌های هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام را غیر از نبوت برای علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله معتقدند. «خلافت، وزارت، معاونت، شراکت، اخوت و افضلیت» مهم‌ترین منزلت‌های هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام است و این منزلت‌ها برای حضرت علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت عموم و اطلاق از دیدگاه بزرگان شیعه ثابت است؛ اما اهل سنت، برخی از آنان، مانند اسکافی، ابن ابی الحدید و مانند آن دو، همه منازل هارون علیه السلام را برای علی علیه السلام به صورت مجمل و کلی پذیرفته‌اند و همه منازل را تفصیل نداده‌اند و برخی دیگر فی الجمله برخی منازل هارون علیه السلام را برای علی علیه السلام پذیرفته‌اند نه به صورت اطلاق و عموم و دلالت حدیث منزلت را تأویل و توجیه کرده‌اند؛ چون محتوای این حدیث با مذهب آنان هماهنگ نیست

۱) مقام خلافت

یکی از منازل هارون علیه السلام نسبت به حضرت موسی علیه السلام بر اساس آیه «۱۴۲» آل عمران خلافت آن حضرت است. همین منزلت بر اساس حدیث منزلت برای علی علیه السلام نیز ثابت است. شریف مرتضی می‌نویسد: روشن است یکی از منازل هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام خلافت آن حضرت بر امت بنی اسرائیل از سوی موسی علیه السلام در زمان غیبت اوست و آن حضرت اگر پس از موسی علیه السلام باقی می‌ماند خلیفه موسی علیه السلام بر امت آن حضرت بود. بر اساس این حدیث بقای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خلافت بر امت آن حضرت

واجب است و آن حضرت خلیفه رسول خدا ﷺ بر امت آن حضرت است. (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۴۵۳؛ همان، ۱۴۱۰: ۸/۳). فقیهان، محدثان دیگری شیعه؛ مانند فاضل مقداد، علامه حلی، میلانی، و طبری با اندک اختلافی در تعبیر به همین موضوع تصریح کرده، و گفته‌اند تمام منازل هارون علیه السلام برای علی علیه السلام بر اساس این حدیث ثابت است و یکی از منازل هارون علیه السلام جانشینی و خلافت آن حضرت از سوی موسی علیه السلام بر قوم بنی اسرائیل است و این خلافت عام است و اگر آن حضرت پس از موسی علیه السلام زنده می‌بود، بی‌تردید خلیفه بود. این خلافت مطلق و عام برای علی علیه السلام ثابت است: (فاضل مقداد، ۱۴۱۲: ۹۴؛ حلی-میلانی، ۱۳۸۶: ۸۲/۱؛ طبری، ۱۴۲۶: ۱۱۰/۱).

برخی از عالمان اهل سنت مانند عالمان شیعه خلافت را در زمان حیات و پس از رحلت رسول خدا ﷺ و بر امت اسلامی بر اساس آیات و حدیث منزلت معتقدند گرچه در تفاسیل و جزئیات آن با شیعه اختلاف دارند؛ اما بسیاری از آنان عمومیت خلافت علی علیه السلام را نپذیرفتند و از چند ناحیه دلالت آن را محدود کردند و گفتند: اولاً: حدیث منزلت عمومیت ندارد؛ بلکه آن به غزوه تبوک اختصاص دارد و آن هم خلافت بر اهل و عیال آن حضرت و یا در مدینه در زمان حیات رسول خدا ﷺ مربوط می‌شود و تنها در زمان غیبت آن حضرت، خلیفه است. (الهیتمی، ۱۴۱۷: ۱۲۲/۱؛ القرطبی، ۱۳۸۴: ۲۶۷/۱). ثانیاً: بر فرض اگر خلافت عام باشد و پس از حیات موسی علیه السلام را شامل شود و باقی نماندن هارون علیه السلام بر خلافت پس از موسی علیه السلام عزل و برکناری شمرده شود. (الهیتمی، ۱۴۱۷: ۱۲۲/۱). ثالثاً: اگر حدیث منزلت تمام منزلت‌ها را شامل شود؛ ولی این عام مُخَصَّص (عام تخصیص زده شده) است؛ زیرا یکی از منازل هارون علیه السلام منزلت برادری است؛ یعنی او برادر موسی علیه السلام است [علی علیه السلام برادر نسبی رسول خدا ﷺ نیست] و عام مخصص در افراد باقی مانده حجت نیست یا حجت آن ضعیف است. (الهیتمی، ۱۴۱۷: ۱۲۲/۱-۱۲۳؛ القرطبی، ۱۳۸۴: ۲۶۸/۱).

۲) مقام وزارت

وزارت یکی از منزلت‌های هارون علیه السلام بر اساس آیات قرآن است. هارون علیه السلام خلیفه، وزیر،

نائب مناب و قائم موسی علیه السلام و مفترض الطاعة بود. پس حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز خلیفه، وزیر، نائب مناب و قائم رسول خدا صلی الله علیه و آله، و مفترض الطاعة است. علی علیه السلام این مراتب را در حال حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت و شکی نیست آن مراتب برای علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی بود. پس این مراتب برای آن حضرت پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت است و زایل نمی شود. (نصیر الدین طوسی - علامه حلی - شیخ بهائی، ۱۳۷۴: ۵۶۰).

ابن ابی الحدید می گوید: علی علیه السلام وزیر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و دلیل آن، نص کتاب و سنت است. سخن خداوند این آیه است: «قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى وَ اجْعَلْ لِي وَ زِيْرًا مِنْ اَهْلِي هَارُونَ اَخِي اَشْدُدْ بِهٖ اَزْرِي وَ اَشْرِكْهُ فِي اَمْرِي» و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث منزلت است و فرق اسلامی بر صدور حدیث منزلت از رسول خدا صلی الله علیه و آله اجماع دارند و آن حضرت بر اساس این حدیث همه مراتب و منازل حضرت هارون علیه السلام نسبت به حضرت موسی علیه السلام را برای حضرت علی علیه السلام اثبات کرد. پس علی علیه السلام «وزیر»، و «پشتیبان» آن حضرت است و اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران نبود حضرت علی علیه السلام در امر رسالت مانند حضرت هارون علیه السلام شریک بود. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۱۳).

۳) مقام اخوت (برادری)

هارون برادر موسی علیه السلام بود؛ «هارون اخی» (طه، ۳۰). حضرت علی علیه السلام نیز پس از بستن عقد اخوت در میان مسلمانان، برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید. پس علی علیه السلام برادر آن حضرت است. البته برادر نسبی و خونی نیست؛ بلکه این برادری از نظر مماثلت است. اگر برخی در عمومیت حدیث منزلت ایراد بگیرد و بگوید علی علیه السلام به طور یقین برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست پس حدیث همه منازل حضرت هارون علیه السلام را شامل نمی شود در پاسخ گفته می شود پیمان برادری و عقد اخوت رسول خدا صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام به اتفاق و اجماع ثابت است. لازم نیست در صدق اخوت حتما برادری نسبی و خونی باشد تا برادر غیر نسبی خارج باشد؛ بلکه آنچه واجب، و لازم است اینکه دخول آن در مفهوم خبر باشد و ثبوت اخوت از ناحیه دیگر ثابت است و اطلاق آن بر علی علیه السلام به صورت همیشگی صحیح است. پس گفته می شود علی علیه السلام

برادر رسول خدا ﷺ است و خود آن حضرت فراوان در باره علی ﷺ فرموده است: «او برادرم، پسر عمم، و هم‌نشین من است». پس اخوت از این منظر از این روایت به طور یقین مراد است و حضرت آن را استثنا نکرد. پس این حدیث شامل همه منزلت‌های هارون نسبت به موسی غیر از نبوت می‌شود و مفهوم برادری برای علی ﷺ بر اساس این حدیث ثابت است. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵۵).

بسیاری از عالمان اهل سنت، اخوت و پیمان برادری را میان مسلمانان مدینه از سوی رسول خدا ﷺ و پیمان برادری خود با علی ﷺ را نقل کرده‌اند. از جمله احمد حنبل می‌گوید: رسول خدا ﷺ میان مسلمانان پیمان برادری بست و برای علی ﷺ کسی را برنگزید. او از رسول خدا ﷺ پرسید: ای رسول خدا ﷺ میان یارانت برادری افکندی و مرا تنها گذاشتی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: تو را برای خود برگزیدم. تو برادر منی و من برادر تو هستم. اگر کسی بر تو زبان گشود بگو من بنده خدا و برادر فرستاده خدا هستم، پس از تو تنها دروغگویان چنین منزلتی را ادعا می‌کنند. (احمد بن حنبل، ۱۴۰۳: ۶۱۷/۲). پس یکی از منازل هارون اخوت و برادری نسبت به موسی ﷺ است و حضرت علی ﷺ بر اساس احادیث فراوان در باره «مواخاة» برادر رسول خدا ﷺ است.

۴) مقام معاونت و شراکت در امر رسالت

یکی از منزلت‌های هارون ﷺ بر اساس آیه شریفه «اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي» (طه، ۳۱-۳۲) معاونت و شراکت در امر رسالت برادرش موسی ﷺ بود. بر اساس حدیث منزلت، امیر مؤمنان ﷺ مانند هارون ﷺ سهیم و شریک در امر رسالت رسول خدا ﷺ بوده است؛ البته از راه خلافت نه از راه نبوت. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵۵).

ابن ابی الحدید معتزلی می‌گوید بر اساس حدیث منزلت، رسول خدا ﷺ همه منازل هارون ﷺ نسبت به موسی ﷺ را برای علی ﷺ اثبات کرد؛ یکی از آن منازل مقام معاونت و پشتیبانی است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۱۳).

۵) مقام برترین افراد امت

یکی از منزلت‌های هارون علیه السلام، افضل، بهترین و برتر بودن آن حضرت در میان قوم بنی اسرائیل پس از موسی علیه السلام است. حدیث منزلت دلالت دارد بر اینکه حضرت علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله برترین، بهترین و افضل امت آن حضرت است. شریف مرتضی می‌نویسد: رسول خدا صلی الله علیه و آله همه منازل هارون را برای علی علیه السلام قرار داد مگر موردی را که عرف به حضرت هارون اختصاص می‌دهد و آنچه را استثنا خارج می‌کند و روشن است یکی از منازل هارون نسبت به موسی علیه السلام افضل بودن، بهتر بودن و برتر بودن آن حضرت در میان امت موسی علیه السلام است. (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۴۹۱). شک و خلافتی نیست در اینکه از جمله منازل هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام این است که او افضل قوم موسی علیه السلام نزد آن حضرت بود و برترین منزلت را نزد موسی علیه السلام داشت. پس واجب است امیر المؤمنین علیه السلام دارای این صفت باشد؛ زیرا افضل و برتر بودن از همه یکی از منازل حضرت هارون است و آن را استثنا نکرده است. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۷۷/۴).

شعبه بن الحجاج گفته است: هارون علیه السلام افضل و برترین امت موسی علیه السلام بود پس واجب است به دلیل حفظ و صیانت این نص صحیح صریح باید گفت علی علیه السلام افضل و برتر از همه امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشد؛ همان‌گونه که موسی علیه السلام به برادرش هارون علیه السلام گفت در میان قوم خلیفه و جانشین باش به و اصلاح‌گری پرداز! (گنجی شافعی، ۱۴۰۴: ۲۸۳). اسکافی یکی دیگر از عالمان اهل سنت، همه منازل هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام را بر اساس حدیث منزلت غیر از منزلت نبوت برای علی علیه السلام باور دارد و معتقد است منازل هارون علیه السلام به موسی علیه السلام معروف است؛ یکی اینکه در نظر موسی علیه السلام، هارون علیه السلام بر همه افراد فضیلت و برتری داشته است. در حدیث منزلت، مهم‌ترین موضوع برتری و افضلیت علی علیه السلام بر همگان است و مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله هم همین مسئله است. (اسکافی، ۱۴۰۲: ۲۲۱۹-۲۲۰).

پس از بررسی دیدگاه‌های عالمان شیعه و اهل سنت نسبت به دلالت حدیث منزلت روشن گردید عالمان شیعه معتقدند همه منازل و مقامات هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام

برای حضرت علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت عموم و اطلاق ثابت است. حضرت هارون علیه السلام «خلیفه، وزیر، برادر، معاون (مشارک) و پشتیبان و افضل افراد قوم بنی اسرائیل» بود و این منازل به ویژه خلافت مطلق و عام است و به مکان و زمان خاصی اختصاص ندارد. پس حضرت علی علیه السلام، «خلیفه، وزیر، معاون و پشتیبان، برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و افضل افراد امت اسلامی» است. خلافت علی علیه السلام به غزوه تبوک اختصاص ندارد و همچنین منحصر به زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه آن حضرت علی علیه السلام هم در زمان حیات و هم در زمان پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله خلیفه و جانشین آن حضرت است.

دانشمندان اهل سنت فی الجمله منازل و مقامات حضرت هارون علیه السلام را برای حضرت علی علیه السلام پذیرفته اند و معتقدند خلافت (فی الجمله)، وزارت، معاونت و پشتیبانی، وصایت و فضیلت برای حضرت علی علیه السلام از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر اساس حدیث منزلت ثابت است. البته بیشتر عالمان اهل سنت خلافت و جانشینی علی علیه السلام را بر اهل و عیال و یا مدینه و در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانند. بطلان این دیدگاه اهل سنت نسبت به خلافت علی علیه السلام با توجه به نقل حدیث منزلت در موارد دیگر غیر از غزوه تبوک در کتاب‌های معتبر آنان واضح و روش گردید. بر اساس نقل‌های خود بزرگان اهل سنت این حدیث اختصاص به واقعه غزوه تبوک ندارد؛ بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در موارد مختلف و در زمان‌ها، مکان‌ها و مناسبت‌های مختلف این حدیث را در باره جایگاه علی علیه السلام گفته است.

نتیجه

یکی از دلایل روایی گویا، رسا و روشن بر اثبات امامت و خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام حدیث منزلت است. حدیث منزلت در بسیاری از کتاب‌های حدیثی، تفسیری، رجالی، تاریخی، کلامی شیعه امامیه و اهل سنت نقل گردیده است. در این نوشتار حدیث منزلت از منظر سندی و دلالی از دیدگاه فریقین به صورت تطبیقی بررسی گردید. پس از تحقیق در منابع فریقین دو دسته یافته‌های مشترک و اختصاصی ذیل حاصل گردید.

الف) یافته‌های مشترک

۱) عالمان شیعه امامیه و عالمان اهل سنت حدیث منزلت را در بسیاری از کتاب‌های معتبر روایی، تفسیری، رجالی، تاریخی، کلامی و ... خود نقل کرده‌اند و این جمله «أَلَا تَرْضَىٰ أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» قدرمشترک و متقین همه نقل‌های فریقین است. البته جمله‌های پیش و پس از این جمله تفاوت‌هایی دارد. و نقل‌های منابع شیعه گویاتر و رساتر است.

۲) عالمان شیعه و اهل سنت حدیث منزلت را از صحابه رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند. شیعه امامیه دست‌کم از «۲۴»، و عالمان اهل سنت دست‌کم از «۲۶» نفر از صحابه رسول خدا ﷺ این حدیث را نقل کرده‌اند و «۱۱» نفر از صحابه مشترک بین فریقین است. نقل گسترده این حدیث در منابع فریقین گویای پذیرش و صحت این حدیث است.

۳) عالمان شیعه و اهل سنت به «صحت»، «تواتر»، و «مورد اتفاق و اجماع بودن» سند حدیث منزلت تصریح کرده‌اند. این سه تعبیر «صحیح»، «متواتر» و «مجمع علیه» در باره سند حدیث منزلت از موارد اشتراک فریقین به شمار می‌رود.

۴) عالمان شیعه اتفاق دارند بر اساس حدیث منزلت همه منازل حضرت هارون ﷺ نسبت به موسی ﷺ برای علی ﷺ نسبت به رسول خدا ﷺ ثابت است و گفته‌اند: «خلافت، وزارت، وصایت، اخوت (برادی)، معاونت و مشارکت و افضلیت» منازل هارون ﷺ است و این منازل برای علی ﷺ ثابت است؛ برجسته‌ترین منزلت، منزلت خلافت است و شیعه معتقدند این خلافت عام و مطلق است و زمان حیات رسول خدا ﷺ و پس از آن را شامل می‌شود و خلافت او بر همه مسلمانان نافذ است؛ اما برخی از عالمان اهل سنت با عالمان شیعه هم‌عقیده و هم‌رأی هستند؛ هر چند در تفصیل و جزئیات آن باهم اختلاف نظر دارند.

ب) یافته‌های اختصاصی

۱) برخی اندکی از عالمان اهل سنت، ایرادهای سندی بر حدیث منزلت گرفته، و گفته‌اند این حدیث اولاً صحیح نیست و ثانیاً خبر واحد است و خبر واحد نمی‌تواند یک مسئله

اعتقادی مانند خلافت را ثابت کند. بسیاری از بزرگان اهل سنت گفته‌اند حدیث منزلت اولاً صحیح است؛ ثانیاً متواتر است و ثالثاً خبر مجمع علیه بین فریقین است. خود بزرگان اهل سنت پاسخ این ایرادهای سست و ضعیف را داده‌اند.

۲) بسیاری از بزرگان اهل سنت خلافت علی علیه السلام را فی الجمله پذیرفته‌اند؛ ولی عمومیت و اطلاق آن پذیرفته‌اند و گفته‌اند: اولاً خلافت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله به غزوه تبوک اختصاص دارد و ثانیاً: این خلافت به زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله منحصر است و خلافت پس از رحلت آن را شامل نمی‌شود. بزرگان شیعه پاسخ داده‌اند: اولاً صدور حدیث منزلت در منابع اهل سنت در موارد دیگری غیر از غزوه تبوک نقل گردیده است؛ پس حدیث منزلت اختصاص به داستان تبوک ندارد؛ ثانیاً منازل هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام عام و مطلق است و زمان حیات و پس از حیات آن حضرت را شامل می‌شود حدیث منزلت همه منازل حضرت هارون علیه السلام را به صورت عموم و اطلاق برای حضرت علی علیه السلام اثبات می‌کند و ثالثاً جمله «إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» استثنای متصل مفید عموم و اطلاق است؛ یعنی همه منازل و در همه زمان‌ها غیر از نبوت برای علی علیه السلام ثابت است.

کتابنامه

-
- ابن أبی شیبہ، أبو بکر بن أبی شیبہ، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستی العبسی (المتوفی: ۲۳۵هـ)، «الكتاب المصنف فی الأحادیث والآثار»، المحقق: کمال یوسف الحوت، الرياض، مكتبة الرشد، الطبعة الأولى، ۱۴۰۹هـ.
- ابن ابی عاصم، أبو بکر بن أبی عاصم وهو أحمد بن عمرو بن الضحاک بن مخلد الشیبانی (المتوفی: ۲۸۷هـ)، «السنة»، المحقق: محمد ناصر الدین الألبانی، بیروت، المكتب الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۰۰هـ.
- ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (متوفی: ۶۵۶هـ)، «شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید»، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴هـ.
- ابن الصلاح، عثمان بن عبد الرحمن، أبو عمرو، تقی الدین (المتوفی: ۶۴۳هـ)، «معرفة أنواع علوم الحدیث، ويعرف بمقدمة ابن الصلاح»، المحقق: نور الدین عتر، دار الفكر - سوريا، دار الفكر المعاصر - بیروت، ۱۴۰۶هـ.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱هـ)، «الخصال»، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱هـ)، «الأمالی (للصدوق)»، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۳۸۱هـ)، «عیون أخبار الرضا علیه السلام»، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸هـ.
- ابن بابویه، محمد بن علی (متوفی: ۳۸۱هـ)، «معانی الأخبار»، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نوبت چاپ اول، ۱۴۰۳هـ.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن (متوفی: ۶۰۰هـ)، «عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار»، قم، جماعة المدرسین بقم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.

ابن حجر العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل (المتوفی: ٨٥٢هـ)، «فتح الباری شرح صحیح البخاری»، تعليقات العلامة: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، بيروت، دار المعرفة، ١٣٧٩هـ.

ابن حجر الهيتمي السعدي الأنصاري، أحمد بن محمد بن علي بن حجر، شهاب الدين شيخ الإسلام، أبو العباس (المتوفى: ٩٧٤هـ)، «الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة»، المحقق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، لبنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ١٤١٧هـ.

ابن حزم، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الأندلسي القرطبي الظاهري (المتوفى: ٤٥٦هـ)، «المحلى بالآثار»، بيروت، دار الفكر، [بى تا].

ابن شاذان قمى، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل، «الروضة فى فضائل أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليهما السلام (لابن شاذان القمى)»، محقق/مصحح: شكرجى، على، ايران- قم، مكتبة الأمين، چاپ اول، ١٤٢٣هـ.

ابن شاذان قمى، أبو الفضل شاذان بن جبرئيل، «الفضائل (لابن شاذان القمى)»، قم، رضى، چاپ دوم، ١٣٦٣ش.

ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي (متوفى: ٥٨٨هـ)، «مناقب آل أبى طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)»، قم، علامه، چاپ اول، ١٣٧٩هـ.

ابن طاووس، على بن موسى (متوفى: ٦٦٤هـ)، «طرف من الأنباء و المناقب»، محقق / مصحح: عطار، قيس، مشهد، تاسوعا، چاپ اول، ١٤٢٠هـ.

ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: ٤٦٣هـ)، «الاستيعاب فى معرفة الأصحاب»، المحقق: على محمد البجاوى، دار الجيل، بيروت، الطبعة الأولى، ١٤١٢هـ.

ابن عساكر، أبو القاسم على بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر (المتوفى: ٥٧١هـ)، «تاريخ دمشق»، المحقق: عمرو بن غرامة العمروى، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥هـ.

ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشى البصرى (المتوفى: ٧٧٤هـ)، «البلدانية والنهاية»، المحقق: على شيرى، دار إحياء التراث العربى، الطبعة الأولى، ١٤٠٨هـ.

ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن يزيد القزوينى، (المتوفى: ٢٧٣هـ)، «سنن ابن ماجه»،

تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، [بى تا].
ابن هشام، عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميرى المعافرى، أبو محمد، جمال الدين
(المتوفى: ۲۱۳هـ)، «السيرة النبوية لابن هشام»، تحقيق: مصطفى السقا وإبراهيم الأبيارى وعبد
الحفيظ الشلبى، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة: الثانية،
۱۳۷۵هـ.

احمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيبانى (المتوفى:
۲۴۱هـ)، «مسند الإمام أحمد بن حنبل»، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون/
إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱هـ.
احمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيبانى (المتوفى:
۲۴۱هـ)، «فضائل الصحابة»، المحقق: د. وصى الله محمد عباس، بيروت، مؤسسة الرسالة،
الطبعة الأولى، ۱۴۰۳هـ.

اسكافى، ابو جعفر (متوفى: ۲۲۰هـ)، «المعيار و الموازنة»، بيروت، [بى تا]، ۱۴۰۲هـ.
بحرانى، سيد هاشم (۱۱۰۷هـ)، «كشف المهم فى طريق خبر غدیر خم»، مؤسسة احياء تراث
السيد هاشم البحرانى، [بى تا].

البخارى الجعفى، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله، «الجامع المسند الصحيح المختصر من
أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخارى»، المحقق: محمد زهير
بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)،
الطبعة الأولى، ۱۴۲۲هـ.

برقى، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱هـ)، «المحاسن»، محقق / مصحح: محدث، جلال
الدين، قم، دار الكتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱هـ.
الترمذى، محمد بن عيسى بن سَورة بن موسى بن الضحاك، أبو عيسى (المتوفى: ۲۷۹هـ)،
«سنن الترمذى»، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر (ج ۱، ۲) ومحمد فؤاد عبد الباقي (ج ۳)
وإبراهيم عطوة عوض المدرس فى الأزهر الشريف (ج ۴، ۵)، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى
البابى الحلبي، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵هـ.

جرجانى، ضياء الدين جرجانى، «رسائل فارسى جرجانى»، تصحيح و تحقيق از معصومه نور
محمدي، تهران، ميراث مكتوب، چاپ اول، ۱۳۷۵هـ.

- حسکانی، عبید الله بن عبد الله (متوفی: ۴۹۰هـ)، «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل»، محقق / مصحح: محمودی، محمدباقر، تهران، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۱هـ.
- حسینی شیرازی، آیت الله سید محمد، «القول السدید فی شرح التجرید»، قم، دارالإیمان، چاپ اول، ۱۴۱۰هـ.
- حسین بن بدر الدین (متوفی: ۶۶۳هـ)، «ینایع النصیحة فی العقائد الصحیحة»، به تحقیق دکتر مرتضی محطوری، صنعاء، مكتبة البدر، چاپ دوم، ۱۴۲۲هـ.
- خزاز رازی، علی بن محمد (متوفی: قرن چهارم)، «كفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر»، محقق / مصحح: حسینی کوهکمری، عبد اللطیف، قم، بیدار، ۱۴۰۱هـ.
- خطیب البغدادی، أبو بكر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی (المتوفی: ۴۶۳هـ)، «تاریخ بغداد»، المحقق: الدكتور بشار عواد معروف، بیروت، دار الغرب الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲هـ.
- الزركشي الشافعي، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر (المتوفی: ۷۹۴هـ)، «تشیف المسامع بجمع الجوامع لتاج الدين السبکی»، دراسة و تحقیق: د سید عبد العزيز - د عبد الله ربيع، المدرسان بكلية الدراسات الإسلامیة والعربیة بجامعة الأزهر، مكتبة قرطبة للبحث العلمی وإحياء التراث - توزيع المكتبة المکیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۸هـ.
- السيوطي، الامام جلال الدين، «قطف الازهار المتناثرة فی الاخبار المتواترة»، تحقیق: الشيخ خليل محیی الدين المیس، بیروت، المكتب الإسلامی، الطعة الاولى، ۱۴۰۵هـ.
- شریف مرتضی (متوفی: ۴۳۶هـ)، «الذخيرة فی علم الکلام»، به تحقیق سید احمد حسینی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۱هـ.
- شریف مرتضی (متوفی: ۴۳۶هـ)، «رسائل الشریف المرتضی»، به تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۰۵هـ.
- شریف مرتضی (متوفی: ۴۳۶هـ)، «الشافی فی الإمامة»، تحقیق و تعليق از سید عبد الزهراء حسینی، تهران، مؤسسة الصادق (ع)، چاپ دوم، ۱۴۱۰هـ.
- شیرازی، ابواسحاق، «اللوامع فی اصول الفقه»، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۶هـ.
- شیخ طبرسی (متوفی: ۵۴۸هـ)، «إعلام الوری بأعلام الهدی»، تهران، اسلامیه، چاپ سوم،

۱۳۹۰هـ.

شیخ طوسی (۴۶۰هـ.)، «تلخیص الشافی»، مقدمه و تحقیق از حسین بحر العلوم، قم، انتشارات المحبین، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.

الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم (المتوفی: ۳۶۰هـ.)، «المعجم الكبير»، المحقق: حمدی بن عبد المجید السلفی، القاهرة، مكتبة ابن تیمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵هـ.

الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم (المتوفی: ۳۶۰هـ.)، «المعجم الأوسط»، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، القاهرة، دار الحرمین، [بی تا].

الطبرسی، احمد بن علی (۵۸۸هـ.)، «الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)»، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳هـ.

طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم (۳۲۶هـ.)، «المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب (علیه السلام)»، محقق / مصحح: محمودی، احمد، قم- ایران، کوشانپور، چاپ اول، ۱۴۱۵هـ.

طبری آملی، عماد الدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم (متوفی: ۵۵۳هـ.)، «بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (ط - القديمة)»، نجف، المكتبة الحيدرية، چاپ دوم، ۱۳۸۳هـ.

الطوسی، خواجه نصیر الدین (متوفی: ۶۷۲هـ.)، «تجريد الاعتقاد»، به تحقیق حسینی جلالی، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.

الطوسی، محمد بن الحسن (متوفی: ۴۶۰هـ.)، «الأمالی (للطوسی)»، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.

علامه حلی - آیت الله حسن زاده آملی (متوفی: ۷۲۶هـ.)، «كشف المراد فی شرح تجريد الاعتقاد»، تصحیح و مقدمه و تحقیق و تعلیقات از آیت الله حسن زاده آملی، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ چهارم، ۱۴۱۳هـ.

علامه حلی - آیت الله سید علی میلانی (۷۲۶هـ.)، «شرح منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة»، قم، مركز الحقائق الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.

علامه حلی (۷۲۶هـ.)، «معارج الفهم فی شرح النظم»، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
عیاشی، محمد بن مسعود (متوفی: ۳۲۰هـ.)، «تفسیر العیاشی»، محقق / مصحح: رسولی

- محللاتی، سید هاشم، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰هـ.
- فاضل مقداد (متوفی: ۸۷۶هـ)، «الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد»، به تحقیق ضیاء الدین بصری، مجمع البحوث الإسلامية، نوبت چاپ: اول، ۱۴۱۲هـ.
- فاضل مقداد (۸۷۶هـ)، «اللوامع الإلهية فی المباحث الكلامية»، تحقیق و تعلیق از شهید قاضی طباطبائی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۲هـ.
- القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن (المتوفی: ۲۶۱هـ)، «المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم»، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربي، [بی تا].
- قمی، قاضی سعید (متوفی: ۱۱۰۷هـ)، «شرح توحيد الصدوق»، تصحیح و تعلیق از نجفقلی حبیبی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۵هـ.
- قمی، علی بن ابراهیم، «تفسیر القمی»، محقق / مصحح: موسوی، جزائری، طیب، قم، دار الكتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴هـ.
- کنانی، أبو عبد الله محمد بن أبی الفیض جعفر بن إدريس الحسنی الإدريسی (المتوفی: ۱۳۴۵هـ)، «نظم المتناثر من الحديث المتواتر»، المحقق: شرف حجازی، مصر، دار الكتب السلفية، الطبعة الثانية المصححة ذات الفهارس العلمية، [بی تا].
- کنانی، أبو عبد الله، محمد بن ابراهیم بن سعد الله بن جماعة الكناني الحموی الشافعی، بدر الدین (المتوفی: ۷۳۳هـ)، «المنهل الروی فی مختصر علوم الحديث النبوی»، المحقق: د. محیی الدین عبد الرحمن رمضان، دمشق، دار الفكر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۶هـ.
- کلینی، محمد بن یعقوب (متوفی: ۳۲۹هـ)، «الكافي (ط - الإسلامية)»، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷هـ.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (متوفی: ۳۰۷ق)، «تفسیر فرات الکوفی»، محقق / مصحح: کاظم، محمد، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۰هـ.
- گلیایگانی، محمد رضا (متوفی: ۱۴۱۴هـ)، «افاضة الفوائد»، قم، دار القرآن کریم، ۱۴۱۰هـ.
- گنجی شافعی، محمد بن یوسف (متوفی: ۶۵۸هـ)، «کفاية الطالب فی علی بن ابی طالب (علیه السلام)»، تهران، دار احیاء تراث أهل البيت، چاپ دوم، ۱۴۰۴هـ.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (متوفی: ۱۱۱۰هـ)، «بحار الأنوار (ط - بیروت)»، محقق /

مصحح: جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳هـ.
محمدی، علی (متوفی: معاصر)، «شرح كشف المراد»، قم، دار الفكر، چاپ چهارم،
۱۳۷۸ش.

المزی، ابوالحجاج یوسف بن الزکی عبدالرحمن (المتوفی: ۷۴۲هـ)، «تهذیب الکمال»،
تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۰هـ.
مغربی، ابن حیون، نعمان بن محمد (متوفی: ۳۶۳هـ)، «شرح الأخبار فی فضائل الأئمة
الأطهار علیهم السلام»، محقق / مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، قم، جامعه مدرسین،
چاپ اول، ۱۴۰۹هـ.

میلانی، آیت الله سید علی، «نفحات الأزهار»، قم، مهر، چاپ اول، ۱۴۱۴هـ.
النسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني (المتوفی: ۳۰۳هـ)، «المجتبی
من السنن = السنن الصغری للنسائی»، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة، حلب، مكتب المطبوعات
الإسلامية، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶هـ.

النسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، (المتوفی: ۳۰۳هـ)، «السنن
الكبری»، حققه وخرج أحاديثه: حسن عبد المنعم شلبي، أشرف عليه: شعيب الأرنؤوط، قدم له:
عبد الله بن عبد المحسن التركي، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱هـ.
النيسابوري المعروف بابن اليع، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه
بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني (المتوفی: ۴۰۵هـ)، «المستدرک علی الصحیحین»،
تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱هـ.
هلالی، سلیم بن قیس (متوفی: ۷۶ ق)، «کتاب سلیم بن قیس الهلالی»، محقق / مصحح:
انصاری زنجانی خوئینی، محمد، قم- ایران، الهادی، چاپ اول، ۱۴۰۵هـ.

هیثمی، أبو الحسن نور الدين علی بن أبي بكر بن سليمان (المتوفی: ۸۰۷هـ)، «مجمع
الزوائد ومنبع الفوائد»، المحقق: حسام الدين القدسی، القاهرة، مكتبة القدسی، القاهرة،
۱۴۱۴هـ.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني